

## جاودانگی قرآن از منظر مستشرقان\*

جمال فرزندوحی\* و مریم محمدیاری\*\*\* و سمیه کلهری\*\*\*\*

### چکیده

قرآن کتاب الهی و مقدس مسلمانان است که از حیث جاودانگی با دیگر کتاب‌های مقدس متمایز است. با گذشت قرن‌ها نیز این کتاب آسمانی، ماندگاری و قابلیت خود را برای هدایت همه بشر اثبات کرده است. در پژوهش حاضر، دیدگاه دانشمندان غربی در خصوص جاودانگی قرآن بررسی شده است و هدف تحقیق نیز اثبات همین جاودانگی است. ابتدا سخن برخی از دانشمندان غربی که به صراحت جاودانه بودن این کتاب را تأیید کرده‌اند، آورده شده، سپس ویژگی‌های قرآن که لازمه جاودانه بودن آن است، بیان شده است. ذیل هر عنوان دیدگاه‌های برخی مخالفان آورده شده که با توجه به دلایل موجود، نقد نیز شده‌اند.

کلید واژگان: قرآن، جاودانگی قرآن، مستشرقان، اسلام و مستشرقان.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۰۷ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۵/۱۲.

\*\* استادیار گروه الهیات دانشگاه رازی: farzandwahy@yahoo.com

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه رازی: maryam.mohammadyari.71@gmail.com

\*\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه رازی: skalhori71@gmail.com

## طرح مسئله

قرآن از جمله کتاب‌های مقدس است که برخلاف دیگر کتب آسمانی ویژگی‌هایی دارد که آن را منحصر به فرد کرده است. همین تمایزهاست که افراد زیادی را از غرب و شرق به بررسی ماهیت اصلی قرآن و در نتیجه قبول و ایمان به آن وا داشته است. از جمله ویژگی‌های منحصر به فرد قرآن که سبب علاقه افراد حق‌جو و تمایز آن با دیگر کتب گردیده است، جاودانگی قرآن است. قرآن در میان قومی جاهل و به واسطه پیامبری امی به مردم ابلاغ شد که به رغم تمام شرایط نامساعد برای خلق چنین اثری، خداوند آن را بدون هیچ کم و کاست و اشتباهی بر پیامبر خویش نازل کرد و آن را برای همه زمان‌ها تحریف نشده و ناب باقی گذارد. همین امر از ویژگی و معجزه انکارناپذیر قرآن است. در ادامه با اعترافات اندیشمندان غربی و دلایل آنها برای جاودانه بودن این کتاب، مسئله جاودانگی قرآن اثبات می‌شود.

## ۱. مفاهیم

### ۱-۱. مستشرقان

مراد از مستشرقان بررسی مجموعه مطالعاتی است که غربی‌ها درباره دین و کتاب آسمانی شرقی‌ها انجام داده‌اند؛ به سخن دقیق‌تر، هدف ما نقد و بررسی آرای غربی‌های غیر مسلمان درباره کتاب آسمانی مسلمانان است (اسکندرلو، مستشرقان و تاریخ گذاری قرآن، ۱۳۸۶: ۲۰). واژه استشرق به معنای شرق‌شناسی و خاورشناسی است که ترجمه کلمه «Orientalism» می‌باشد (زمانی، دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۸۵: ۲۷/۱).

### ۲-۱. جاودانگی

جاودانگی به معنای پایدار ماندن و باقی ماندن هرچیز می‌باشد. این موضوع می‌تواند برای عقاید، ادیان، اصول علمی یا اجسام مادی به کار رود. در یک تعریف ساده به هر چیز ماندگار برای زمان‌های طولانی می‌توان جاودان گفت، در صورتی که قابلیت تطبیق را در زمان‌های مختلف در خود حفظ کرده باشد، به عبارتی، با تغییرات زمان و محیط سازگار باشد؛ زیرا شرط ماندگاری و جاودانگی داشتن، قدرت تغییر و تطابق می‌باشد (محمدزاده، جاودانگی دین مبین اسلام، ۱۳۹۱: ۲).

## ۲. دیدگاه مستشرقان درباره جاودانگی

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی است که برای هدایت بشر از زمان نزول تا آستانه قیامت آمده است؛ از این رو، باید بتواند تا روز قیامت نقش هدایت‌گر خویش را در میان مردم ایفا کند. با توجه به این مبنا آیات قرآن دارای باطنی عمیق است؛ به طوری که برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها حیات‌بخش، ره‌گشا و راهنما بوده و خواهد بود (شاکر، مبانی و روش‌های تفسیری، ۱۳۷۶: ۲۹۶). قرآن کریم نیز در آیات زیادی به مسئله جاودانگی اشاره کرده است. از جمله آیه: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر/ ۹) که قرآن را زنده، جاودان و محفوظ از زوال و فراموشی می‌داند (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۲/۱۰۱). به طور کلی اکثر مسلمانان درباره جاودانه بودن قرآن اتفاق نظر دارند و جاودانه بودن این کتاب را لازمه حیات دین اسلام می‌دانند. البته برخی از دانشمندان غربی نیز معتقدند قرآن برای تمام قرون قرآن کتاب جاوید و ماندگاری است؛ برای مثال، خاورشناس و متفکر فرانسوی ژول لابوم (Jules Labeume) درباره جاودانگی قرآن می‌گوید: «قرآن برای همیشه زنده است و هر کس از مردم جهان به قدر درک و استعداد خود از آن بهره می‌برد» (میرشکار مبارکه، حدیث دیگران، بی تا: ۱۳/۱).

شو (Shoo) نظر خود را چنین بیان می‌کند: آیین محمد ﷺ به دلیل زنده بودن و شگفت‌آوری معارفش، جایگاه والایی را در تاریخ بشریت به خود اختصاص داده است. به نظر من این آیین شایستگی پاسخ‌گویی به بشر در تمام دوره‌های متحول تاریخ بشریت را دارد. من حدس می‌زنم فردای اروپا روز قبول دین محمد ﷺ خواهد بود» (زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۸۸: ۳۸۶). شیدل (Shide) دیگر دانشمند غربی عقیده خود را چنین بیان می‌کند: «بشریت باید افتخار کند که شخصیت بزرگی چون محمد ﷺ از آنهاست؛ زیرا او به رغم امی بودنش، در آن دوران، قانونی برای زندگی بشر ارائه کرد که اگر ما اروپاییان پس از دو هزار سال بخواهیم به قله ارتقا برسیم، باید به همان قانون عمل کنیم» (سلیم، قالوا فی الاسلام والقران والرسول، ۲۰۰۲: ۱۱۴).

برنارد شاو (Bernard Shaw) فیلسوف مشهور انگلیسی، می‌نویسد: «من همیشه نسبت به دین محمد ﷺ به واسطه خصلت عجیب زنده بودنش نهایت احترام را داشته‌ام. به نظر من، اسلام تنها مذهبی است که استعداد توافق و تسلط بر حالات گوناگون و صور متغییر زندگی و مواجهه با قرون مختلف را دارد. من پیش بینی می‌کنم که از هم اکنون آثار آن پدیدار شده است. ایمان محمد ﷺ قبول اروپای فردا خواهد بود» (مردانی، اعترافات دانشمندان بزرگ جهان، ۱۴۰۲: ۷۵).

## ۱-۲. بررسی دیدگاه مستشرقان

با توجه به تعاریف ذکر شده مشخص می‌شود که اگر شخصی بدون غرض، قرآن و اسلام را مورد بررسی قرار دهد، بدون شک، به جاودانگی قرآن اعتراف می‌کند؛ همچنان که در تمام دیدگاه‌های آورده شده به نوعی به شگفت‌انگیزی قرآن در عصر جاهلیت اشاره شده است. حتی دانشمندان غربی به صراحت اعلام داشته‌اند که بعد از گذشت قرن‌ها اروپای امروز برای رسیدن به قله به همان قانون حضرت محمد ﷺ احتیاج دارد و قرآن کتابی است برای تمام دوره‌های بشریت.

## ۳. ملاک‌های جاودانگی و مستشرقان

جاودانگی قرآن را از جنبه‌های مختلفی از جمله تأثیرناپذیری از فرهنگ زمانه، هماهنگی با عقل و فطرت انسانی، زیبایی ادبی و بلاغی، انسجام و استحکام درونی، تحدی طلبی آن و... می‌توان در نظر گرفت. در این بخش با بررسی سخنان اندیشمندان غربی در مورد برخی از این ملاک‌ها، به اثبات جاودانگی قرآن می‌پردازیم؛ چون تأیید هر یک از این ملاک‌ها توسط مستشرقان به گونه‌ای تأیید جاودانه بودن قرآن به شمار می‌رود.

### ۱-۳. هماهنگی با عقل و فطرت انسانی

قرآن معجزه‌ای است جاودان و همیشگی که افراد بشر را تا ابد به راه راست و استوار هدایت و رهبری می‌نماید. این رهبری نیز بر اساس و پایه عقل و فطرت انسانی پیش می‌رود و به اوج تمدن و انسانیت رهنمون می‌کند (خویی، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ۱۳۸۲: ۲۲). از جمله نشانه‌های امور فطری، تحت تأثیر قرار نگرفتن از عوامل مکانی، زمانی، نژادی و... است و بارزترین نشانه امور فطری عدم نیاز به تعلیم است (استادی، آشنایی با تفاسیر، ۱۳۸۳: ۳۸۷)؛ برای مثال، اینکه بشر فطرتاً از ظلم و ستم ناخرسند است؛ از جمله اموری است که برای تنفر از آن بشر به آموزش احتیاج ندارد.

ماکیسم رودنسون (Makism Rodshun) نویسنده مارکسیست، عقیده خود را درباره عقلانی بودن قرآن چنین بیان می‌کند: «قرآن کتاب مقدسی است که عقلانیت، جایگاه بسار بزرگی را در آن اشغال نموده است. در این کتاب، خداوند برای مردم همواره دلیل و برهان ارائه می‌نماید و در مناسبت‌های متعدد برای انسان تکرار می‌کند که پیامبران همراه دلیل و برهان مبعوث شده‌اند. به نظر می‌رسد عقل‌گرایی قرآنی همچون سنگ، سخت، مستحکم، اصلی و بنیادی است» (میرشکارمبارکه، حدیث دیگران، بی تا: ۶۴).

کوبولد (Cobbold) بانوی دانشمند انگلیسی می‌نویسد: «اسلام به تمام معنا یک قانون بزرگ و بی‌نقص اجتماعی است که همه آزادی‌ها را آورده و هرگز از بین نخواهد رفت؛ زیرا اصول آن با مبادی تمدن و ترقی، قانون فکر و عقل موافق می‌باشد» (مردانی، اعترافات دانشمندان بزرگ جهان، ۱۴۰۲: ۸۵). استاد دانشگاه فنلاند، پروفیسور هولما (Holama) اسلام را دینی فطری، آزاده، جدی، معقول، بی‌تعصب و در یک کلمه دینی فراخور همه مردم روی زمین می‌داند (مردانی، اعترافات دانشمندان بزرگ جهان، ۱۴۰۲: ۸۰). پروفیسور کربن (Corbin) درباره دین و کتاب الهی چنین می‌گوید: «هیچ بشری و هیچ طرز فکری به اندازه پیامبر اسلام ﷺ و قرآن مردم را به دینش دعوت نکرده است. تا آنجا که در قرآن کریم نهصد و پنجاه بار از دانش و عقل و اندیشه سخن به میان آورده است» (مردانی، اعترافات دانشمندان بزرگ جهان، ۱۴۰۲: ۱۱۰).

از آنجا که قرآن احکامش مطابق با فطرت است، سهولت و سادگی در آن رعایت شده است و در شرایط گوناگون زندگی انسان، احکام انعطاف‌پذیری دارد. پاسخگوی نیازهای مختلف اعم از مادی و معنوی است؛ بدین معنا که تنها به نیازهای خاصی چون مسائل معنوی و جهان آخرت اکتفا نکرده و به آنچه در سرنوشت و سعادت ابدی انسان تأثیر دارد، رهنمود داده است. به این دلیل از مسائل فردی تا مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، همه را بیان کرده و با توجه به خصوصیات انسان، نیازهای اصلی و کوشش‌ها و کشش‌های آنها را مدنظر قرار داده است. نسبت به تحولات آینده، پیش‌بینی‌هایی را کرده و اصل اجتهاد و تفقه در دین را برای هر عصر و زمانی آورده است تا تفصیل دین مناسب هر زمان انجام گیرد (ایازی، قرآن اثری جاویدان، ۱۳۸۶: ۱۷). چون آموزه‌های قرآن فطری است. این نتیجه را به دنبال دارد که قابل فهم نیز باشد. در این باره لئون تولستوی، دانشمند برجسته روسی، قابل فهم بودن قرآن را چنین تأیید می‌کند: «هر کس بخواهد مسئله و سادگی دین اسلام را بفهمد، باید قرآن مجید را دقیقاً مطالعه کند؛ زیرا قرآن مشتمل بر احکام و تعلیمات و حقایق روشن و آشکار و سهل و ساده است که عموم افراد بشر از هر طبقه می‌توانند از آن بهره‌مند گردند» (مردانی، اعترافات دانشمندان بزرگ جهان، ۱۴۰۲: ۴۳).

مخالفت برخی از مستشرقان با جاودانگی قرآن به جهت وجود تناقضات در قرآن، اشارات غلط علمی، وجود اشتباهات قرآنی و... از دلایل عدم هماهنگی قرآن با عقل و فطرت است. ونسینک (Wenesick) در دائرة المعارف اسلامی ضمن واژه «خطیئه» و «رسول»، بول (Buhl) در مقاله «صالح» و ماکدونالد (Macdonald) در مدخل «جن» به بعضی از تناقضات قرآن اشاره کرده‌اند (رضایی اصفهانی و حلیم اف، دوفصلنامه قرآن‌پژوهی خاورشناسان، ۱۱۲/۶).

## ۱-۱-۳. بررسی

سخنان دانشمندان موافق تأییدی است بر اینکه قرآن مطابقت کامل با فطرت و عقل سلیم دارد؛ چرا که اگر مخالفتی در این بین وجود داشت، بی شک، قرآن برای تبلیغ و اثبات حقانیت خود از تفکر و تعقل منع می کرد. همین امر، یکی از دلایل رازهای جاوید بودن به شمار می آید.

## ۲-۳. تأثیر ناپذیری از فرهنگ زمانه

قرآن به عنوان کتابی جاوید ملتزم است که از محیط خود به خصوص محیط جاهلیت آن دوران تأثیر نگرفته باشد. در این باره دوزی (Dozy) خاورشناس هلندی، بر این عقیده است که «اعراب پس از آنکه مسلمان شدند و به قرآن ایمان آوردند، با لباس نو و تازه‌ای در برابر جهانیان عرض اندام نمودند» (مردانی، همان، ۱۴۰۲، ۵۲).

سدیو (Sodieu) مستشرق فرانسوی، عقیده خود را ابراز می دارد: «در عظمت این کتاب مقدس و آورنده آن همین قدر کافی است که بگوییم اعراب وحشی و بادیه نشین با نداشتن هیچ گونه امتیازی و داشتن هرگونه رذایل اخلاقی، به دراجات سعادت بلکه در ردیف معلمین بشریت درآمدند» (میرشکار مبارکه، همان، ۱۴).

جی مارگولیوس (Margolius) درباره جدید بودن قرآن و تأثیر ناپذیری آن می گوید: «این کتاب برای اولین بار از افراد ناهمگون قبایل صحرائی در عربستان، امتی از قهرمانان ساخت» (وات، ۱۳۷۱: ۴۳).

رهب سوسالیستها، کارل مارکس (Karl Marx) در کتاب خود به نام «زندگی» می نویسد: «محمد از میان مردمی بت پرست با اراده آهنین برخاست و آنان را به یگانه پرستی دعوت کرد» (مردانی، اعترافات دانشمندان بزرگ جهان، ۱۴۰۲: ۱۲۱).

برخی از مستشرقان بین اسلام و یهود در مسائلی مانند نماز، روزه، تک خدایی و... شباهت های را بیان نموده اند (اسپنسر، حقیقت درباره محمد، بی تا: ۶۰). برنارد لوئیس (Bernard Lewis) مستشرق یهودی درباره مصدر قرآن براین عقیده است که پیامبر اسلام ﷺ تحت تأثیر عقاید یهود و مسیحیت بود و افکار توحیدی و وحی گرایی را که در قرآن مطرح شده، شاهدی بر ادعای خود می داند (نصیری؛ مدبر، فصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۹۰: ش ۱۰، ۱۲۸ و ۱۲۹). بلاشر نیز تشابهات قصص قرآنی با قصص یهودی و مسیحی را تأیید می کند و قرآن را کتابی بشری و متأثر از عوامل خارجی می داند (سلطانی رنای، دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۸۷: ش ۴، ۱۳۳).

### ۳-۲-۱. بررسی دیدگاه‌ها

اگر مراد از «فرهنگ زمانه عرب» عناصری مثل ادبیات باشد، این عناصر فرهنگی به ناچار در هر کتاب یا سخنرانی که برای ملت - که آن فرهنگ متعلق به آنان است - ارائه شود، نفوذ می‌کند و به کارگیری آن برای تفهیم مطالب لازم به شمار می‌آید. قرآن نیز از این مسئله مستثنا نیست؛ از این رو، خود قرآن هم از واژگان و ضرب‌المثل‌های عرب استفاده کرده است. اما اگر مراد از «فرهنگ زمانه عرب» موضع‌گیری‌هایی فکری و هنری و آداب، سنن و رسوم اجتماعی باشد، این شامل خرافات، مطالب باطل و شرك‌آلود نیز می‌گردد. در این صورت باید گفت قرآن کریم متأثر از این فرهنگ نشده است؛ چرا که باطل در قرآن راه ندارد: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» (فصلت/ ۴۲)، حتی در موارد متعدد، با این عناصر فرهنگی مقابله کرده است. مثل مذمت زنده به گور کردن دختران یا عقیده به بت‌پرستی و شرك (دامن پاک مقدم، بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن، نشر تاریخ و فرهنگ، ۱۳۸۰: ۱۴۷).

درباره احکام موجود در قرآن و شباهت آن با آیین‌های پیشین نیز باید گفت این احکام از نظر شرایط و جزئیات با احکام ادیان پیش متفاوت است؛ مثلاً خصوصیات نماز و روزه و... با خصوصیات آن در فرهنگ یهود کاملاً متفاوت و حتی قرآن به صراحت احکام موجود در ادیان پیش را رد می‌کند (رضایی اصفهانی، دوفصلنامه قرآن‌پژوهی خاورشناسان، ۱۳۸۹: ۸/ ۱۹۱).

در دیدگاه مخالفان این نکته تأمل برانگیز است که آنها نه تنها به تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه قائل‌اند، بلکه با این نظر خود، مکتب محمدیسم را تقویت می‌کنند و قرآن را غیر الهی می‌دانند. در این صورت نه تنها تقدس قرآن خدشه‌دار می‌شود، بلکه این نظر را نیز به خواننده منتقل می‌کنند که کتابی بشری، قابلیت جاودانگی ندارد.

### ۳-۳. مباحث علمی

در قرآن به ریزه‌کاری‌ها و شگفتی‌هایی که در آفرینش انسان و جهان به کار رفته و در آن زمان برای هیچ کس معلوم نبوده، اشاراتی شده که علوم تجربی جدید آنها را آشکار ساخته است. با آنکه هدف کتاب خدا بیان این‌گونه مسائل نیست، برای اثبات توحید، قدرت و علم آفریدگار و هدف‌دار بودن خلقت پرده از رازهای آفرینش برمی‌گیرد و ما را به آیات آفاقی و انفسی توجّه می‌دهد. در واقع، شیوه بیان این آیات هم معجزه است؛ زیرا مطلب به صورتی گفته شده که برای مخاطبان بی‌خبر از این علوم شنیدنی بوده و امروز برای ما نکته‌آموز است (رکنی، آشنایی با علوم قرآن، ۱۳۷۱: ۱۸۴). توجه قرآن به علوم مختلف از جمله عوامل پیشرفت علم در بین مسلمانان و یکی از

نشانه‌های جاوید بودن قرآن است (رضایی اصفهانی، دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۸، ۲۴۳). کرین (Corbin) می‌نویسد: «اگر اندیشه محمد ﷺ خرافی بود و اگر قرآن، وحی الهی نبود، هرگز جرأت نمی‌کرد بشر را به علم دعوت کند. هیچ بشری و هیچ طرز فکری به اندازه محمد و قرآن به دانش دعوت نکرده‌اند تا آنجا که در قرآن نهصد و پنجاه بار از علم و فکر و اندیشه و عقل سخن به میان آمده است...» (عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ۱۳۸۷: ۹۷).

دکتر گربنیه (Gerbenieh) فرانسوی می‌نویسد: «من آیات قرآن را که به علوم پزشکی و طبیعی ارتباط داشت، دنبال کردم و از کودکی آنها را فراگرفتم و کاملاً بدان آگاه بودم؛ بنابراین، دریافتم که این آیات از هر جهت با معارف و علوم جهانی منطبق است... هر کس که دست‌اندرکار هنر یا علم باشد و آیات قرآن را با هنر علمی که آموخته است مطابقت و مقایسه کند - به همان صورت که من مقایسه کردم - بدون تردید به اسلام خواهد گروید، البته اگر صاحب عقلی سلیم و بی‌غرض باشد...» (همان، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

رودویل (Rodrill) نویسنده انگلیسی می‌نویسد: «اروپا نباید فراموش کند که مدیون قرآن محمدی است؛ زیرا قرآن آفتاب علم و دانش را در اروپا روشن نمود» (همان، ۱۰۰). رنبرت (Renbort) مستشرق معروف اعتراف می‌کند: «علوم طبیعی، فلکی، فلسفه، ریاضیات که در قرن دهم اروپا را زنده نمود، از قرآن گرفته شده و اروپا رهین منت اسلام است» (مردانی، همان، ۴۷).

برخی تلاش نموده‌اند که مطالب علمی قرآن را غلط و غیر علمی نشان دهند. پائول کونیتسچ (Paul Kunitzsch) در ابتدای مدخل «سیارات و ستارگان» تأثیرپذیری قرآن را از دانش کیهان‌شناختی عصر نزول قرآن مطرح کرده، می‌نویسد: «غیرمنتظرانه نیست که اشاره‌های پدیده‌های آسمانی در قرآن تحت تأثیر دانش معاصر این پدیده‌ها در شبه جزیره عربستان واقع شده باشد...» (مسترحمی، فراهی بخشایشی، دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۹۱: ۱۲، ۳۵).

ماهر جرّار (Maher Jarrar) نیز در مدخل «آسمان و فضا» از دایرة‌المعارف قرآن لیدن، پیشینه بحث آسمان‌های هفتگانه را مردمان کهن خاور نزدیک دانسته است (رضایی اصفهانی، فراهی بخشایشی، دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۹۱: ۱۳ / ۴۰).

### ۱۶-۳-۱. بررسی

پس از بررسی نظر برخی از محققان غربی، این نکته مشخص می‌شود که در قرآن مطالب ناب علمی وجود دارد که پس از قرن‌ها و با کشف و گسترش علوم بر بشر عصر حاضر اثبات شده است. کشف این علوم در عصر حاضر نشان از آن است که قرآن مختص به زمان نزولش نیست و



برای تمام قرون است. گفته مخالفان گواه این مطلب است؛ چه آنان منکر عدم وجود مباحث علمی در قرآن نشده‌اند، بلکه مطالب علمی قرآن را باطل و متناقض با علوم بشری می‌دانند. در این باره صراحتاً مسئله تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ عربستان را نقض می‌کنیم و تناقضات بین علم و قرآن را مردود می‌دانیم؛ چرا که قرآن علم قطعی است و با علوم قطعی بشری مخالفی ندارد و تناقضات موجود همان‌گونه که نمایان است، با علوم ظنی و نظریه‌هاست.

### ۴-۳. قصص قرآنی

داستان‌های قرآن یکی از زمینه‌هایی است که از دیرباز مستشرقان بسیاری بدان پرداخته‌اند. هرشفلد (Hersfeld) در بیان انگیزه پیامبر ﷺ از بیان داستان‌های قرآنی و زمان طرح آنها، این دسته از وحی‌ها را این‌گونه توضیح می‌دهد: «گرچه مشرق‌زمین، مرکز داستان‌سرایی است و هدف پیامبر، تعلیم و انذار بوده نه ایجاد سرگرمی، در عین حال او توانست در عربستان، عصر نوینی را در هنر داستان‌سرایی آغاز نماید. در دوران پیش از اسلام، بیشتر مردم، البته در برخی مناطق خاص، با حکایت منشور سرکار داشتند. از آنجا که اهالی مکه اصطلاح یونانی «اساطیر» را برای داستان‌ها به کار می‌بردند، همین تعبیر را به گونه اهانت‌آمیزی برای سخنان پیامبر به کار گرفتند. دلیل اینکه پیامبر در سخنانش از داستان‌ها نیز استفاده می‌کرد، روشن است. بخش وسیعی از شناخت او نسبت به تورات و انجیل از ویژگی تاریخی برخوردار بود و می‌دانست که اگر مطالب تاریخی را در بیانش درج نماید، موجب برانگیخته شدن کنجکاوی مخاطبانش می‌شود. گرچه در ابتدا استفاده از این شیوه صرفاً به منظور تشریح هشدارها و انذارهایش صورت می‌پذیرفت، به تدریج این داستان‌ها طولانی‌تر شده و سرانجام بخش جالب توجهی از آنها به عنوان «قصص انبیا» مطرح شدند. بدین ترتیب، داستان به عنوان یکی از موضوع‌های مهم بیان گردید. نقل‌هایی کوتاه از کتب دیگر که در نخستین وحی‌ها یافت می‌شد، به پیامبر این امکان را داد که اطلاع و آشنایی خود را نسبت به وقایع و معجزات گذشته که موجب شگفتی زیاد اهالی مکه می‌شد، نشان دهد» (اسکندرلو، مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، ۱۳۸۶: ۸۷).

۱۷

دانشمندانی همچون ریچارد بل (Richard Bell) یکی از دلایل جاودانگی قرآن را انطباق قصص در زندگی بشر بیان می‌کند و چنین می‌نویسد: «به نظر می‌رسد که داستان‌ها با تجارب حضرت محمد ﷺ و پیروانش انطباق یافته است و می‌توان گفت این داستان‌ها برای مسلمانان آشنا بوده و نکات اصلی آن به اختصار یاد شده است؛ بدین سان، این اندیشه تا حدودی موجه می‌گردد که سایر جزئیات در داستان‌های دیگر هم انعکاس چیزهایی باشد که برای حضرت محمد ﷺ پیش آمده است» (بل، درآمدی بر تاریخ قرآن، بی‌تا: ۲۰۲).

برخی بر این باورند که قصص قرآن مربوط به زمان نزول آن است. نتیجه این تفکر، انکار جاودانه بودن قرآن است. بلاشر (Blachere) خاورشناس فرانسوی معتقد است قرآن صرفاً به اقتضای فکر و فضای اندیشه مخاطبان روزگار خویش سخن گفته است: «پیامبر برای آنکه از گفت‌وگوی خود با مردم نتیجه بهتری بگیرد، به ذکر داستان‌ها و افسانه‌هایی می‌پردازد که در میان قوم عرب شناخته شده بود. ترتیب نقل این گونه داستان‌ها در غالب سوره‌ها از این قرار است: ابتدا چند آیه به عنوان تذکر و ضرورت توبه از گناه و تکلیف به ایمان آورده می‌شود. آن گاه به ذکر داستان می‌پردازد. قبیله یا گروهی که به دلیل رفاه و قدرت به شرک و گناه گرایش یافتند، دوباره به راه راست هدایت می‌شوند و از گمراهی نجات می‌یابند. به خدای یگانه می‌گروند. نام این اقوام و قبایل در قرآن متعدد است؛ مانند قوم عاد، ثمود، لوط، عمالقه و...». با توجه به اینکه قرآن کتاب داستان سرایی نبوده و تمام داستان‌های آن به منظور عبرت‌گیری مردم بیان شده است، تحلیل بلاشر از شیوه مذکور قابل بررسی و ارزیابی می‌باشد و می‌تواند در قالب تحقیقی مستقل مطرح گردد (اسکندرلو، مستشرقان و تاریخ گذاری قرآن، ۱۳۸۶: ۸۷).

### ۳-۴-۱. بررسی دیدگاه‌ها

عیاشی به نقل از امام باقر (علیه السلام) می‌نویسد: «إن القرآن حی لا یموت و الآیة حیة لا تموت فلو كانت الآیة إذا نزلت فی الأقسام ماتوا [ماتت الآیة] فمات القرآن و لكن هی جاریة فی الباقین کما جرت فی الماضین؛ قرآن زنده است و مرگ ندارد و آیه زنده است و نمی‌میرد. اگر آیه‌ای تنها درباره گروهی نازل شده بود، با مرگ آنان قرآن (و یا آیه) هم می‌مرد، لکن آیه درباره آیندگان به همان صورت است که درباره گذشتگان بوده است (عیاشی، التفسیر، ۱۳۸۰: ۲۰۳).

قصص قرآن را می‌توان یکی از ملاک‌های جاودانگی قرآن نام برد؛ چرا که قرآن کتابی است همگانی و همیشگی. در غایب مانند حاضر جاری است و به آینده و گذشته مانند حال منطبق می‌شود؛ مثلاً آیاتی که در شرایط خاصی برای مؤمنان زمان نزول تکالیفی بار می‌کند؛ مؤمنانی که پس از عصر نزول دارای همان شرایط هستند، بی‌کم و کاست همان تکالیف را دارند. بنابراین، هرگز مورد نزول آیه‌ای، مخصّص آن آیه نخواهد بود و این ویژگی همان است که در عرف روایات به نام «جری» نامیده می‌شود (رستمی، آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان، ۱۳۸۰: ۱۵۹).

### ۳-۵. جذابیت و تازگی

از ویژگی‌های جاودانگی قرآن می‌توان به جذابیت و تأثیری که این کتاب الهی بر خوانندگان آن می‌گذارد، اشاره کرد.

دانشمند و قرآن پژوه انگلیسی کینت گریت (Kinggrit) در این باره می نویسد: «یک فرد غیر مسلمان که قرآن را می گشاید؛ دارای اعتقاد به اعجاز و وحیانی بودن آن نیست. با این حال همین که به خواندن شروع می کند، تحت تأثیر قرار می گیرد و به هر نسبت که در خواندن جلو می رود، تأثیر کتاب در او بیشتر می شود. من وقتی که برای اولین بار قرآن را گشودم و تحت تأثیر قرار گرفتم، تصور نمودم اثری که آن کتاب در من کرده استثنائی است. در سال های بعد تقریباً با تمام اروپاییانی که راجع به قرآن تحقیق کرده اند تماس یا مکاتبه داشتم، همه را چنین یافتیم که قرآن اثر جاذبه مغناطیسی در همه قرآن پژوهان اروپایی دارد، اما مشروط بر اینکه متن اصلی قرآن را بخوانند؛ زیرا ترجمه قرآن در هیچ یک از زبان های اروپایی تأثیر متن اصلی را ندارد. تأثیری که قرآن در خواننده اروپایی می گذارد، ناشی از اعتقاد مثل مسلمان ها نیست، بلکه معانی و کلمات قرآن این تأثیر را دارند. اکنون که سی سال از اولین مطالعه قرآن بر من می گذرد، باز هم که قرآن را می گشایم معارف و معانی آن - به رغم عدم تسلسل موضوعی - مرا مجذوب و علاقمند به خود می کند» (گریک، قرآن را چگونه شناختیم، ۱۳۶۹: ۲۴).

فیلپ حتّی (Filip Heta) از مستشرقان مشهور غرب، در خصوص طراوت و تازگی قرآن می نویسد: «قرآن از همه کتاب هایی که عصر جدید بنیاد کرده اند، تازه تر است؛ مع ذلک عرصه انتشار آن از هر کتاب دیگر فوق العاده دامنه دارتر است» (فیلیپ، تاریخ عرب، ۱۳۴۴: ۱/۱۶۱).

تئودور (Theodor) خاورشناس آلمانی می نویسد: «قرآن با نیروی برهان خود شنونده را مجذوب و شیفته خود می سازد و قلوب را تسخیر می کند؛ همین قرآن بود که ملت وحشی عرب را معلّم جهانیان کرد» (عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ۱۳۸۷: ۹۸).

توماس کارلایل (Tomass Carlyle) مستشرق انگلیسی نیز معتقد است: «عبارت های قرآن در ابتدا خسته کننده، مشوش، پراکنده، سخت و ناسازگار است، ولی پس از سال ها مطالعه قضاوت شخص تغییر می کند و تأیید می نماید که این عبارت ها به کلی شکل دیگری دارد و ادبیات مشخصی است. اگر کتابی از دل برخیزد، در سایر دل ها خواهد نشست و همه هنرها و هنرنمایی های تألیف در قبال آن کوچک شمرده خواهند شد» (خورشید، اسلام و غرب، ۱۳۴۷: ۴۶).

### ۱-۵-۳. بررسی

برای کسانی که انس با قرآن دارند و به طور منظم قرآن را تلاوت می کنند، این مطلب محقق است که قرآن را همیشه تر و تازه می یابند و تکرارها و دوباره خوانی برای آنها ملال آور و خسته کننده نیست. البته این يك امر وجدانی است و هرکس که مداومت در قرائت قرآن داشته باشد، با وجدان خود آن را درمی یابد و به آن اعتراف دارد. این در حالی است که اگر انسان يك متن را دو سه بار

خواننده باشد، دیگر رغبتی به خواندن آن ندارد. آیات قرآنی از يك نظم و نسق خاصی برخوردار است که تکرار در خواندن آن هرچند صدها بار هم باشد، نشاط و شوق را از خواننده آن نمی‌گیرد، بلکه با وجود آن همه تکرار باز هم طراوت و تازگی خود را دارد (جعفری، سیری در علوم قرآن، ۱۳۸۲: ۱۷۹).

### ۳-۶. زیبایی ادبی و بلاغی

بسیاری از کتاب‌های پر محتوای جهان چون بدون جاذبه و زیبایی ادبی و هنری هستند، متروک و خسته‌کننده مانده‌اند، در حالی که تنها ویژگی قرآن آن است که اوج زیبایی و عمق محتوا را با هم آمیخته است (عرفان، اعجاز در قرآن کریم، ۱۳۷۹: ۸۴). در این باره بروکلمان (Brockelmann) در کتاب خود به مبارزه علیه قرآن برخاسته است، اما در برابر زیبایی ادبی قرآن این چنین می‌نویسد: «آیات قرآن سرشار از ترسیم‌های زیبای مطالب است. لحن خطابی آن با نغمه‌های موسیقی آیتش عجین شده و احساس اصیل شاعرانه را می‌انگیزاند» (بروکلمان، تاریخ الشعوب الاسلامیه، ۱۹۸۸: ۳۷). گوته (Goethe) عقیده خود را چنین بیان می‌کند: اگرچه ما همواره از قرآن روی بر می‌گردانیم و در همان مرحله اول اظهار تنفر می‌نماییم، خیلی زود ما را به سوی خود جذب و شگفت‌زده می‌کند و در نهایت، ما را وا می‌دارد که در مقابل آن سر تعظیم و احترام فرود آوریم. سبک و اسلوب قرآن، هماهنگی و توافق آن با محتوا و استواری و استحکام در اهداف قرآن، بسیار عالی و باشکوه است و هیبت و رفعتی حقیقی و ابدی دارد؛ از این رو، این کتاب در تمام زمان‌ها تأثیری نیرومند به جای می‌گذارد (مردانی، اعترافات دانشمندان بزرگ جهان، ۱۴۰۲: ۴۴). مری گیلورد دورمن (Marry Gaylord dorman) درباره اسلوب و جاودانگی قرآن چنین اعتراف می‌کند: «قرآن معجزه‌ای است جاوید و شاهد انشای بر صدق و ادعای محمد ﷺ پیغمبر خدا. قسمتی از جنبه اعجاز آن مربوط به سبک و اسلوب آن است و این سبک و اسلوب به قدری کامل، عظیم و باشکوه است که نه جن و انس نمی‌توانند کوچک‌ترین سوره‌ای نظیر و شبیه آن را بیاورند» (همان).

ولز (Wells) دانشمند و مورخ انگلیسی، نظر خود را درباره اسلوب و بلاغت قرآن چنین بیان می‌کند: «در قرآن بهترین عبارات و عالی‌ترین جملات نازل گردیده و اسلوب فصاحت و بلاغت آن به حدی زیباست که عقول عقلا را حیران ساخته است. قرآن کتابی است ابدی و جهانی» (میرشکار مبارکه، حدیث دیگران، بی تا: ۳۸).

از جمله مخالفان زیبایی ادبی و بلاغی قرآن، سیل (Sale) است که چنین می‌گوید: «هر چند این قرآن به نثر نوشته شده، هنوز جملاتش عموماً به دلیل تکرارهای غیر ضروری که اغلب حس

انسانی را گرفتار می‌کند، به یک ریتم مداوم طولانی منتهی می‌شود» (کریمی و جمالی، دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۹۲: ۱۵/۹۲). پروفیسور پالم (Palmer) می‌گوید: «قرآن به نحوی موزون نوشته شده است که بندهایش موزون هستند؛ گرچه قواعد گرامری در آن رعایت نشده است و در بیشتر قسمت‌های یک سوره با وزنی مشابه ادا می‌شوند» (همان).

### ۳-۶-۱. بررسی

با توجه به سخنان موافقان می‌توان گفت قرآن کریم از چنان فصاحت و بلاغتی برخوردار است که حتی برخی از خاورشناسان که به مبارزه با قرآن پرداخته‌اند، در برابر زیبایی ادبی قرآن اعتراف کرده‌اند. این خود دلیل بر جاودانگی قرآن است که همواره خواننده را مجذوب خود می‌کند. دلایل مخالفان را می‌توان چنین توجیح کرد که اطلاعات آنان از زبان عربی محدود و درک زیبای ادبی آن بر آنان دشوار است.

### ۳-۷. جامعیت و انسجام

برخی اوصاف و ویژگی‌های قرآن به گونه‌ای است که با گسیختگی در نظم آیات ناسازگارند و یا حداقل مرحله کمال آن اوصاف به وجود نظم و ارتباط مستحکم آیات وابسته است. برای اثبات این دلیل می‌توان آیه ذیل را مثال زد: «إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ» (فصلت/ ۴۱). عزیز یعنی چیزی یا کسی که پیروز می‌شود و هرگز شکست نمی‌خورد؛ زیرا در آن هیچ‌گونه نقص و ضعفی وجود ندارد و اجزای آن کاملاً بهم گرده‌خورده و محکم است و همچنین چیزی که کم و نادر باشد (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۳۷۴: ۲/۵۹۳). بنابراین، کتاب عزیز یعنی کتابی که به لحاظ قوت و استحکام درونی آن، کسی نمی‌تواند بر آن غلبه کند یا همانند آن بیاورد. یکی از جلوه‌های عزت قرآن، استحکام درونی آن و وجود نظم و پیوستگی بین آیات بر اساس غرض واحد است (خامه‌گر، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، ۱۳۸۶: ۸۵).

همان‌گونه که کامل و نظم و انسجام حاکم در آیات قرآن، یعنی کوچک‌ترین اختلاف و تناقضی در میان آیات و مفاهیم آن وجود ندارد. توضیح اینکه: هر انسان عاقل، مطلع و با تجربه به خوبی می‌داند کسی که بر پایه دروغ و افترا، تشریح و قانون‌گذاری کند یا سخن گوید، قهراً در سخنان و قوانین وی تناقض‌هایی دیده می‌شود. مخصوصاً اگر قانون‌گذاری و دروغ‌سازی وی در مسائل و موضوعات مهم اعتقادی و اخلاقی و در اصول دقیق زندگی و در نظامات مختلف اجتماعی گسترش داشته باشد و سالیان درازی نیز به طول انجامد (خوبی، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ۱۳۸۲: ۸۹). پس این انسجام درونی قرآن، یکی از دلایل موفقیت این کتاب برای جاودانه بودنش

است. در عین حال، منظور از جامعیت قرآن، کامل بودن مجموعه رهنمودها و دستورات آن در همه زمینه‌هایی است که به سعادت و خوشبختی ابدی انسان ارتباط دارد که اگر آن رهنمودها و دستورات نبود، انسان به هدف اصلی خود از آمدن به این جهان نمی‌رسید و این نبودن رهنمودها نقصی برای دین تلقی می‌شد (ایازی، قرآن اثری جاویدان، ۱۳۸۶: ۱۵).

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم قرآن این است که این کتاب آسمانی، جامع تمام علوم و معارف است؛ چه علمی که بشر تاکنون به آن دست یافته و چه علمی که هنوز در دسترس بشر قرار نگرفته است (جعفری، سیری در علوم قرآن، ۱۳۸۲: ۶۴)؛ چرا که قرآن همان طور که از نامش پیداست، جامع تمام کتاب‌های پیشین است و با حجم کم، محتوای اصلی همه آنها را در بر دارد و آخرین کتاب آسمانی است که از غیر خود بی‌نیاز است و کتاب‌های پیشین محتاج به مراجعه به آن هستند (بی‌آزار شیرازی، قرآن ناطق، ۱۳۷۶: ۷۴)؛ بنابراین، فراگیر بودن قرآن با جاودانگی آن رابطه بسیار نزدیکی دارد و در حقیقت، چهره‌ای از جاودانگی قرآن را تشکیل می‌دهد (ایازی، ۱۳۸۱: ۱۵). دانشمندان غربی نیز به جامعیت قرآن پی برده‌اند و دیدگاه‌های متعدد و متنوعی در باب جامعیت قرآن مطرح کرده‌اند. در ذیل به چند نمونه از این دیدگاه‌ها اشاره می‌شود.

شو (Shoo) می‌نویسد: «آیین محمد ﷺ به دلیل زنده بودن، شگفت‌آوری و معارفش، جایگاه والایی در تاریخ بشریت به خود اختصاص داده است. به نظر من این آیین شایستگی پاسخ‌گویی به بشر در تمام دوره‌های متحول تاریخ بشریت را دارد. من حدس می‌زنم فردای اروپا روز قبول دین محمد ﷺ خواهد بود» (سلیم، قالوا فی الاسلام والقران والرسل، ۲۰۰۲: ۳۸۶).

جان دیون پورت (Jhon Daven port) شرق‌شناس انگلیسی در کتاب خود درباره جامعیت معارف قرآن چنین می‌نویسد: «قرآن کراراً ایمان به خدای واحد، تسلیم در برابر اراده او، اطاعت کامل احکام، خیرخواهی و بشر دوستی و مسالمت، خوداری از مشروبات الکلی، حلم و بردباری ثواب شهادت در راه خدا... را یادآوری می‌کند. ولی احکام قرآن منحصر به وظایف دینی و اخلاقی نیست» (دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ۱۸۶۹: ۹۱).

گوستاولوبون (Gostawlebon) مورخ و جامعه‌شناس فرانسوی می‌نویسد: «قرآن که کتاب آسمانی مسلمانان است، منحصر به تعالیم و دستورات مذهبی محض نیست، بلکه دستورات سیاسی و اجتماعی مسلمانان نیز در آن درج است. شکی نیست که در بعضی از جاهای این کتاب در فنون شعری و رموز خطابه و حسن بیان قدرت‌نمایی‌های شده است که نظیر آن را در سایر کتب مذهبی نمی‌توان به دست آورد. احکام و تعالیم اخلاقی آن بسیار برجسته و عالی است. خیرات،

نیکی، مهمان‌نوازی، اعتدال در خواهش‌های نفسانی، وفای به عهد، اکرام به والدین، اعانت و سرپرستی از بیوه و یتیم، نیکی کردن در مقابل بدی که در موارد عدیده از آن تأکید به عمل آمده، تمام این صفات و خصایل حمیده تعلیم داده شده است. تعلیمات اخلاقی قرآن به مراتب بالاتر از تعلیمات اخلاقی انجیل است» (عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ۱۳۸۷: ۹۸).

سدیو (Sodieu) مستشرق فرانسوی می‌نویسد: «قرآن از آداب، حکمت‌ها، تعلیم و تربیت، پند و اندرز و هزاران امور ضروری دیگر چیزی فروگذار نکرده است. همه را گفته است...». غرض او از این گفتار، هدایت مردم و نشان دادن راه حق و طریق صواب است. از اصول پاکیزگی و نظافت در این گلچین الهی چیزی ناگفته نمانده است و تمام مبادی و اصول ادیان پیشین در آن دیده می‌شود (همان، ۱۰۰).

مخالفان جامعیت با معرفی کردن قرآن به عنوان کتاب تاریخی یا داستانی یا کتاب انذار و... قرآن را کتابی تک بعدی معرفی کرده؛ در نتیجه، مخالفت خود را با جامعیت قرآن ابراز کرده‌اند. لکن باید در نظر داشت که قرآن کتاب تاریخ نیست تا به نام و نشان‌ها بپردازد، بلکه داستان‌های آن، همه برای درس‌آموزی و عبرت‌اندوزی است (بیومی مهران، بررسی تاریخی قصص قرآن، ۱۳۸۳: ۱/ ۷۱).

### ۳-۱-۷. بررسی

با توجه به اتفاق نظر تمام مسلمانان و برخی از دانشمندان غربی، اثبات این امر آسان می‌شود که این کتاب با چنین ویژگی منحصر به فردی قطعاً توانایی جاودانه ماندن در همه اعصار را دارد؛ چرا که این موضوع از مسائل و ویژگی‌های مهم یک اثر برای بقای آن است که قرآن به خوبی این ویژگی را داراست.

### ۳-۸. تحدی طلبی قرآن

اسلام برخلاف مسیحیت به عنوان دینی که به کمک معجزه تثبیت شده باشد، تجلی نمی‌کند. خداوند در چندین آیه در برابر مشرکان تحدی می‌کند که اگر می‌توانند همانند قرآن را بیاورند. بدین ترتیب، خداوند معجزه‌ای دائمی برای محمد ﷺ فرستاد و او کسی است که قانونش را به زبانی بی همتا به پیامبرش وحی می‌کند (بلاشر، در آستانه قرآن، ۱۹۱).

جان دیون پورت (Jhon Daven port) نظر خود را در این باره چنین بیان می‌کند: «قرآن تا آن حد معجزه جاوید شناخته شده است که محمد ﷺ آن را دلیل قوی و مؤید رسالتش اعلام نمود و آشکارا فصیح‌ترین مردان آن روز عربستان را به مبارزه دعوت نمود تا یک سوره مانند قرآن بیاورند. قرآن مانند انجیل نیست که فقط به عنوان میزان و شاخصی درباره عقاید دینی، عبادت و عمل پیروان آن

شناخته شده باشد، بلکه دارای مکتب و روش سیاسی نیز هست. کلیه مسائل حیاتی و مالی با اجازه همین منبع و مصدر قانون گذاری حل می شود. در میان محسنات زیادی که قرآن به حق واجد آن است، دو نکته بسیار مهم وجود دارد: یکی لحن تعظیم و تکریم هنگام ذکر نام خداوند و دیگری وجود نداشتن فکر، بیان یا داستانی خلاف تقوا یا حاکمی از سوء اخلاق و بی عفتی و عدم طهارت که آن را معیوب و لکه دار نماید. در صورتی که با کمال تأسف این نواقص در موارد بسیار زیادی در کتب یهود دیده می شوند (میلر، قرآن کتابی شگفت انگیز، لوح فشرده پرسمان).

عجز از آوردن نظیر قرآن تنها در مورد انسان نیست، بلکه جنیان را نیز شامل می شود؛ بنابراین، اگر فرض شود که وقتی دو گروه جنّ و انس با هم اتحاد کنند و در این کار به پشتیبانی یکدیگر برخیزند و باز در معارضه با قرآن عاجز گردند، به طریق اولی یک گروه واحد که همان انسان است، عاجز تر خواهد بود. وقتی که تحدی قرآن تنها متوجه انسان ها نشد، بلکه متوجه غیر انسان ها هم گردید و ناظر به یک دوره از زمان نشد بلکه همه اعصار را نیز در بر گرفت و مخاطب این تحدی همه جامعه انسانی شدند و از جهت دیگر می دانیم که تاکنون هزار و چهار صد سال گذشته است و هیچ گروه و هیچ کس در هیچ جهت از جهات اعجاز نتوانسته است نظیر قرآن را بیآورد، مسلم می گردد که تمام این نیروها از آوردن نظیر قرآن قاصر و عاجزند و قرآن کریم از جانب آفریدگار توانا و حکیم که به همه جهات زندگی و سعادت بشری آگاهی کامل دارد، به صورت وحی بر قلب بنده پاکش نازل شده است (رادمنش، علوم قرآن، ۱۳۷۴: ۴۴).

نکته آخر در سخنان جان دیون پورت آن است که تحدی قرآن برای اثبات جاودانه بودنش را تنها مختص به همان زمان نزول قرآن می داند، در حالی که تحدی قرآن برای تمامی اعصار است و در عصر حاضر نیز این مبارزه طلبی برای قرآن وجود دارد (بنت الشاطی، اعجاز بیانی قرآن ۱۳۷۶: ۶۵؛ مؤدب، اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت علیهم السلام و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، ۱۳۷۹: ۲۳؛ رادمنش، علوم قرآن، ۱۳۷۴: ۴۵).

برخی از مستشرقان با اعتقاد بر این مسئله که در قرآن اضافاتی وارد شده است، تحدی را منکر شده و قرآن را شامل برخی از آیات اضافه می دانند. بلاشر نفرین های قرآن را با عظمت وحی سازگار نمی بیند. کازانوا (Casanova) در کتاب «محمد و پایان جهان» می نویسد: دو آیه در قرآن هست که انتساب آنها به وحی الهی مشکوک است. همچنین نولدکه نیز بر این باور است که آیاتی وجود دارد که بعدها به قرآن اضافه شده است (متقی زاده، خوران، بررسی ادعاهای مستشرقان در مورد تحریف قرآن، ۱۳۸۷: ۵۳).



### ۱-۸-۳. بررسی

طبق آیات قرآن و نیز سخنان ائمه علیهم السلام تحریف و اضافات بر قرآن غیر ممکن است و سخنان برخی از مستشرقان نیز تأییدی است بر اثبات این امر که بر قرآن اضافاتی وارد نشده است.

### نتیجه

برای اثبات جاودانگی قرآن دلایل گوناگونی از جمله تحدی طلبی قرآن، انسجام متن قرآن، تأثیرناپذیری از فرهنگ حاکم و... آورده شد و ذیل هر عنوان نظر و سخنان مستشرقان ما را متوجه این امر می‌کند که هر فردی که جوایب حقیقت باشد، به جاودانه بودن دین و کتاب الهی پی می‌برد و قرآن را منحصر به زمان نزول نمی‌داند، بلکه قرآن را تنها کتاب زنده و جاوید می‌شمارد که هر فردی در هر زمان و مکانی برای رسیدن به سعادت و خوشبختی به آن احتیاج دارد. پی بردن به این حقیقت نیز ارتباط خاصی با مسلمان بودن، یهودی و مسیحیت ندارد. همچنان که برخی دانشمندان غربی این حقیقت را در سخنان خود صراحتاً اعلام داشته‌اند و نظر این اندیشمندان تأییدی بر حقانیت قرآن است.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، تهران: سلام، ۱۳۹۳ ش.
۲. اسپنسر، رابرت، حقیقت درباره محمد، ترجمه محمد رنجبر و حمید رضا عبدالحی، نشر الکترونیک، شماره ۳۰ (www.asar.name)، بی تا.
۳. استادی، رضا، آشنایی با تفاسیر، تهران: نشر قدس، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ش.
۴. اسکندرلو، محمدجواد، مستشرقان و تاریخ گذاری قرآن، قم: مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی، ۱۳۸۶ ش.
۵. ایازی، محمد علی، قرآن اثری جاویدان، رشت: کتاب مبین، ۱۳۸۶ ش.
۶. بروکلیمان، کارل، تاریخ الشعوب الاسلامیه، ترجمه نبیه امین فارسی، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ دوازدهم، ۱۹۸۸ م.
۷. بلاشر، رژیس، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۸. بل، ریچارد، درآمدی بر تاریخ قرآن، بازنگری: مونگمری وات، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی
۹. بنت الشاطی، عایشه، اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ ش.
۱۰. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، قرآن ناطق، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. بیومی مهران، محمد، راستگو، محمد، بررسی تاریخی قصص قرآن، ترجمه محمد راستگو، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
۱۲. جعفری، یعقوب، سیری در علوم قرآن، تهران: اسوه، چاپ سوم، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. حسینی طباطبایی، مصطفی، نقد آثار خاورشناسان، انتشارات چاپ پخش، ۱۳۷۵ ش.
۱۴. خامه گر، محمد، ساختار هندسی سوره های قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
۱۵. خورشید، احمد، اسلام و غرب، ترجمه غلامرضا سعیدی، قم: دارالتبلیغ الاسلامی، ۱۳۴۷ ش.
۱۶. خویی، ابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ترجمه هاشم زاده هریسی، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۸۲ ش.

۱۷. دامن پاک مقدم، ناهید، بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن، نشر تاریخ و فرهنگ، تهران: انتشارات تاریخ و فرهنگ، ۱۳۸۰ش.
۱۸. دیاری بیدگلی، محمدتقی، پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر، تهران: سهروردی، چاپ دوم، ۱۳۸۳ش.
۱۹. دیون پورت، جان، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه غلامرضا سعیدی، لندن: اقبال، ۱۸۶۹م.
۲۰. رادمنش، محمد، علوم قرآن، تهران: نوین، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ش.
۲۱. راغب اصفهانی، محمد حسین، مفردات الفاظ قرآن، تهران: مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ش.
۲۲. رستمی، علی اکبر، آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان، بی‌جا: کتاب مبین، ۱۳۸۰ش.
۲۳. رضایی اصفهانی، محمد علی، بررسی دیدگاه خاورشناسان درباره تاثیر پذیری قرآن از فرهنگ یهودی و مسیحی، دوفصل‌نامه قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۸۹ش، سال پنجم، شماره ۸، ص ۱۷۵-۱۹۴.
۲۴. رضایی اصفهانی، محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت: کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱ش.
۲۵. رضایی اصفهانی، محمد علی، حلیم اف، محمد الله، مبانی نظری مستشرقان در مورد تناقضات قرآن، دوفصل‌نامه قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۸۸ش، سال چهارم، شماره ۶، ص ۱۰۵-۱۳۵.
۲۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، فراهی بخشایش، علی اکبر، پیش‌فرض‌های مستشرقان در رابطه با تعارض قرآن و علم، دوفصل‌نامه قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۹۱ش، سال هفتم، شماره ۱۳، ص ۳۳-۵۴.
۲۷. رکنی یزدی، محمد مهدی، آشنایی با علوم قرآن، تهران: سمت، ۱۳۷۱ش.
۲۸. زمانی، محمد حسن، مستشرقان و قرآن، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۸ش.
۲۹. زمانی، محمد حسن، مفهوم‌شناسی، تاریخچه و دوره‌های استشراق، دوفصل‌نامه قرآن‌پژوهی خاورشناسان، ۱۳۸۵ش، شماره ۱، ص ۲۷-۴۱.
۳۰. سلطانی رنانی، مهدی، بررسی دیدگاه مستشرقان در مورد مصادر وحی قرآنی، دوفصل‌نامه قرآن‌پژوهی خاورشناسان، ۱۳۸۷ش، شماره ۴، ص ۱۳۱-۱۴۳.

۳۱. سلیم، حسین، قالوا فی الاسلام والقران والرسول، بیروت: رشاد، ۲۰۰۲ م.
۳۲. شاکر، محمد کاظم، مبانی و روش های تفسیری، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۳۳. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۳۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۳۵. عرفان، حسن، اعجاز در قرآن کریم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۳۶. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، طبقات مفسران شیعه، قم: نوید اسلام، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ش.
۳۷. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ش.
۳۸. فیلیپ، حتی، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تبریز: انتشارات کتابچی، ۱۳۴۴ ش.
۳۹. گریک، کینت، قرآن را چگونه شناختیم، ترجمه ذبیح الله منصور، تهران: مجید، ۱۳۶۹ ش.
۴۰. متقی زاده، عیسی و خوران، محمود، بررسی ادعاهای مستشرقان در مورد تحریف قرآن، دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۸۷ ش، شماره ۵، ص ۶۴-۴۹.
۴۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت: دار احیا التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴۲. محمود کریمی و حامد جمالی، آرا نویسندگان اروپایی درباره قرآن، دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۹۲ ش، ش ۱۵، ص ۹۱-۱۱۰.
۴۳. مسترحمی، عیسی و فراهی بخشایش، علی اکبر، نقد دیدگاه های مستشرقان در رابطه با تعارض قرآن و علوم طبیعی، دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۹۱ ش، شماره ۱۲، ص ۵۵-۳۱.
۴۴. مؤدب، رضا، اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۹ ش.
۴۵. مردانی، خیرالله، اعترافات دانشمندان بزرگ جهان، تهران: آیین جعفری، ۱۴۰۲ ق.
۴۶. میر شکار، مبارکه، فرامرز، حدیث دیگران، بی جا: بی نا، بی تا.
۴۷. میلر، گری، قرآن کتابی شگفت انگیز، ترجمه صلاح الدین توحیدی (لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد رهبری دانشگاهها).
۴۸. نصیری، علی؛ مدبر، محمدحسین، بررسی اقتباس قرآن از تورات، دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۹۰ ش، ش ۱۰، ص ۱۲۷-۱۴۲.